

## عنوان مقاله:

نقد نورمن برایسون بر روش های فرمالیستی و بازنمایانه در تحلیل نقاشی

## محل انتشار:

فصلنامه جامعه شناسی فرهنگ و هنر، دوره 5، شماره 2 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

## نویسندگان:

شیدا نصیری - دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده پژوهشهای عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

مرضیه پیراوی ونک - دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

## خلاصه مقاله:

نورمن برایسون (۱۹۴۹) از نظریه پردازان حوزه فلسفه و تاریخ هنر معاصر است که با تکیه بر اندیشه هال و مطالعات فرهنگی و اهمیت بحث تصویر در این حوزه طرح فلسفی خود را پیش می برد. برایسون دغدغه بازنگری در مفهوم تاریخ هنر دارد و معتقد است پرداختن به تاریخ هنر راهی است برای بازاندیشی در نفس تاریخ از رهگذر هنر که بازاندیشی در وضعیت کنونی را نیز به دنبال خواهد داشت و در نهایت به شناخت فرهنگ راه خواهد برد. به گفته برایسون اگر تاریخ هنر بخواهد به واقع نقش تاثیرگذاری در نسبت با شرایط امروزی فرهنگ داشته باشد باید از خلال پژوهش های انتقادی نسبت به گذشته خود بازنگری کند و به شیوه های بروز و تکوین تجربه های هنری به ویژه در بحث تصویر متوجه گردد. بنابراین برای بازنگری در مفهوم تاریخ هنر لازم است به هسته مرکزی آن یعنی تصویر پرداخته شود و شیوه نگرش به تصویر مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد تا به این ترتیب پروژه کلی برایسون تکمیل گردد. تحلیل تصویر به طور سنتی از طریق روش شناسی هایی انجام می گیرد که به باور برایسون خود عامل ایجاد فهم نادرست تاریخ هنر و به بار آمدن وضعیت موجود هستند. در میان روش شناسی ها برایسون به طرز ویژه بر نقد مبتنی بر فرم و نقد مبتنی بر بازنمایی تاکید می کند که در تحلیل تصویر با تنزل آن به امری ایستا، پیوند آن با بافتار جامعه و فرهنگ را نادیده انگاشته و به همین جهت تحلیل ارائه شده توسط آنها نیز ابتر باقی می ماند. پژوهش حاضر با بهره جویی از آراء برایسون به مسئله، به نقد دو روش تحلیل فرمالیستی و بازنمایانه در مواجهه با آثار نقاشی می پردازد روش تحقیق توصیفی- تحلیلی با رویکرد انتقادی است که ضمن توصیف روش های تحلیل ذکر شده به تحلیل آنها وارد می شود و در نتیجه با رویکردی نقادانه آنها را مورد بررسی قرار می دهد. نتیجه حاصله از این پژوهش نشان می دهد که نگرش های فرمالیستی و بازنمایانه به نقاشی هنگام نقد به شکل پیش فرض نقاشی را به مثابه تصویری می دانند که در یک لحظه بار معنایی خود را آشکار می کند و بر پایه یک فرم یا بازنمایی یک امر استوار است که برای همگان در لحظه قابل درک و دریافت است. حال آنکه به باور برایسون تصویر یک موجودیت ایستا و نامتحرک نیست و در طول زمان بسط می یابد، چرا که بر فرهنگ بنا شده است و یک سوپه مهم در آن فهم مخاطبی است که خود او نیز بر آمده از فرهنگ است و پروسه دیدن و نگاه کردن وی دائما در حال بازبینی و بازآرایی ادراکات و دریافت های خویش است.

## کلمات کلیدی:

نورمن برایسون، نقد فرمالیستی، نقد بازنمایانه، تحلیل نقاشی، نقد فرهنگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1777945>

